جام جم
فرهنگ
CULTURE
۱۱
سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲ شماره ۶۵۹۱

راز ماندگاری نوحه‌های عاشورایی

مراسم اختتامیه نخستین کنگره ملی نوحه و نغمه‌های عاشورایی روز گذشته با حضور حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در برج میلاد برگزار و از ۲۷ نوحه‌سرای برگزیده کشور تقدیر شد.در این مراسم حجت‌الاسلام مجید باباخانی، رئیس سازمان هیأت‌ها و تشکل‌های دینی گفت: نوحه معنوی‌ترین و فراگیرترین بخش هیأت است. نوحه ماناترین بخش هیأت شده زیرا رنگ بقا یافته است. نوحه اگر وجه آسمانی نداشته باشد، ماندنی نمی‌شود. نوحه‌های «مکن ای صبح طلوع» و «امشبی را شه دین در حرمش مهمان است» ماندگار شده‌اند، زیرا آسمانی بودند اما یکی از مشکلات ما در این حوزه، نداشتن بایگانی نوحه و تولیدات حوزه هیأت است و در این زمینه به‌دنبال تأسیس گنجینه هیأت هستیم تا اگر پژوهشگر از بیرون به موضوع هیأت بنا داشت بپردازد بتواند به آن رجوع کرده و استفاده کند.حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی نیز در این مراسم بیان کرد: حکایت فقط واگویه هنری و حماسی دلدادگی و دلبستگی ما نیست، فقط آیین و مناسک و رسوم ارزنده و ذی‌قیمت نیست، بلکه ماجرا از حقیقت عالم نشأت می‌گیرد. ترسیم و تجلی‌هایی مانند نوحه پیوند ما را با این ماجرا که منبع نور است فراهم می‌کند. دست‌کم گرفتن نوحه در این مکتب و آیین خطاست./تسنیم



است و غم‌های مستمر درپی دارد. رسانه باید بتواند حقیقت شادی را توضیح دهد. شادی فقط خنده نیست، وقتی مومن در پیشگاه خدا گریه می‌کند، به حقیقت شادی دست پیدا کرده است. به نظر من الان مشکل جمهوری اسلامی مسأله «تربیت» است.

الحمدلله در زمینه آموزش، توفیقات خوبی داشته‌ایم ولی آموزش صرف، کار دست ما می‌دهد. باید فعالان فرهنگی و همچنین خود را متوجه تفاوت تعلیم و تربیت کنیم. روح حاکم بر رسانه و تولیداتش باید «تربیت» باشد. رسانه مطلوب دنبال تربیت آدم‌هاست. باید مواظب باشیم که گرفتار اضلال نشویم. سریال‌های تلویزیون به صورت غیرمستقیم مخاطب‌شان را تربیت می‌کند؛ چون با ناخودآگاه او سر و کار دارد. در نهج‌البلاغه، امیرالمومنین(ع) می‌گوید: «اگر کسی خودش را مدیر یک جایی قرار می‌دهد، باید اول به خودش یاد بدهد.» چون از کوزه همان برون تراود که در اوست. حالا سؤال است که مگر انسان می‌تواند به خودش یاد بدهد؟ جواب این است که باید دل‌مان حرف‌های خوب را بفهمد. رسانه باید آن پیامی که می‌خواهد بدهد را اول خودش کاملا به آن باور داشته و فهمش کرده باشد. در ادامه امیرالمومنین(ع) می‌گوید: «ادب کردنش با روشش باشد».

در نهج‌البلاغه حضرت به واقعیات توجه می‌دهند. رسانه ملی، باید مردم را از غفلت بیرون بیاورد و به مرگ توجه دهد. نترسیم از این که یک وقت مخاطب از پای رسانه بلند شود

تفاوت تعلیم و تربیت

در روایات فراوانی بین تعلیم و تأدیب تفاوت قائل شده‌اند. یعنی گاهی تعلیم هست ولی تربیت نیست. تربیت محتاج تعلیم است و تعلیم بدون تربیت بی‌نتیجه است؛ ضعفی که متاسفانه در این سال‌ها خیلی به چشم می‌آید. تربیت این است که مطلب وارد دل آدم‌ها شود. برگردم به آن روایت، حضرت می‌گوید اگر کسی خودش را امام قرار می‌دهد، اگر کسی معلم یا مدیر رسانه است، باید اول به خودش یاد بدهد، بعد فرمود ادب کردنش، قبل از این‌که با زبان باشد، باید با روشش باشد. حضرت معتقد است که بهترین روش تربیت، غیرمستقیم است. همان روشی که درجبهه‌ها به‌کار گرفته شد. نسل اول جبهه، انسان‌های فرهیخته و ساخته‌شده بودند. بعدها که جوان‌ترها رفتند، تحت‌تاثیر آن ریل‌گذاری تربیتی قرار گرفتند. مصداق آن در رسانه این گونه است که وقتی شما به فیلمنامه‌نویس کاری را سفارش می‌دهید، زمانی او می‌تواند دقیقا مطابق خواسته شما کار را انجام دهد که خودش کاملا به آن باور داشته باشد؛ به گفته امیرالمومنین (ع)، امکان ندارد کسی چیزی را در دلش پنهان کند و از چهره، عمل، زبان و قلمش ظاهر نشود. اگر ما افرادی مثل کارگردان‌ها، نویسنده‌ها، برنامه‌نویس‌ها و مجری‌ها را واقعا اثرگذار می‌دانیم که اثرگذار هم هستند، باید به تربیت این عزیزان بها دهیم. وقتی به رشد یک انسان توجه نکنیم و اینها در ذیل بی‌توجهی رسانه رشد کنند، اگر قدرت پیدا کنند، مقابل‌مان می‌ایستند و اگر قدرت پیدا نکنند، منافق می‌شوند و ظاهرسازی می‌کنند. باید به فکر خودسازی خودمان باشیم، تا بتوانیم برای کسانی که چشم‌شان به ما است، الگو باشیم. در مراکز تدریس سینما، فقط به فکر تکنیک نباشیم؛ روح حاکم بر این مراکز، معنویت، فکر صحیح و تربیت باشد. اگر هنرمندان، نویسندگان و مجریان تربیت شدند، آن وقت می‌توانند اثرگذار باشند و اگر از این امر غفلت کنیم، همچنان که غفلت کردیم، دیگر نباید دلخوش باشیم به این اطاعت ظاهری که ممکن است نفاق باشد؛ چون بالاخره می‌خواهند حقوق‌شان را بگیرند.

در نامه حضرت به مالک اشتر، امام چهار ماموریت برای ایشان بیان می‌کند. یکی از این ماموریت‌ها این است که از مالک می‌خواهند به فکر صالح شدن آحاد جامعه باشد. متاسفانه در این سال‌ها کسانی که سر کار آمدند، می‌گفتند این مسئولیت به عهده حوزه‌ها است، وظیفه حکومت است. واضح است که امروز وظیفه اصلاح اهل‌ها برعهده رسانه است. کار حوزه‌ها و بخش‌های مختلف فرهنگی است. در خطبه ۸۷، امیرالمومنین(ع) ویژگی محبوب‌ترین بنده خدا را این‌طور بیان می‌کند؛ می‌گویند: «کلید در هدایت و قفل در سقوط است». یعنی ما باید دلسوزانه آدم‌ها را به طرف بهشت هدایت کنیم. البته که به زور نمی‌شود کسی را به بهشت برد ولی می‌توان برایش زمینه‌ساز بود؛ بنابراین وظیفه این است در عین این‌که به فکر تعلیم هستیم، تربیت را هم مدنظر داشته باشیم.

فرق تعلیم و تربیت این است که آموزش با فکر و ذهن ارتباط دارد و هدفش انتقال اطلاعات است ولی تربیت با دل و احساسات ارتباط دارد و علاوه‌بر انتقال اطلاعات، به دنبال ایجاد احساس است. ایمان ترکیبی از آگاهی و احساس است بنابراین باید توجه شود که آموزش صرف، حس‌برانگیز نیست و حرکت ایجاد نمی‌کند اما اگر توأم با تربیت باشد، موجب می‌شود آدم‌ها در همه امور هدف‌شان حرکت به سمت خدا باشد. اگر تربیت در کنار تعلیم شکل بگیرد، خوبی‌ها محبوب و بدی‌ها منفور می‌شود. در آیه‌ای از سوره حجرات آمده است؛ خداوند ایمان را محبوب و زینت دل‌تان کرد تا به خواست خدا شما از کفر و فسق و گناه بدتان بیاید. رسانه باید بتواند خوبی‌ها را در چشم مردم محبوب و کاری کند که مردم نسبت به زشتی‌ها نفرت پیدا کنند که اگر این اتفاق بیفتد آن وقت آدم‌ها بیمه می‌شوند. بر عکسش هم اتفاق می‌افتد، اگر قوانین اسلامی را الزامی کنیم بدون این‌که آن را محبوب کنیم، نفرت و نفاق می‌آورد. امیرالمومنین می‌فرماید: «دل آدم‌ها اگر مجبور شد، کور می‌شود». یعنی الان برای تربیت بچه‌های خودمان این مشکل را داریم. باید شوق‌انگیزی ایجاد کنیم تا خوبی‌ها برایش محبوب و از فسق و گناه متنفر شود. هدف این است که آدم‌ها رشد همه جانبه، حریت و عزت پیدا کنند، لذا در همین نامه ۳۱ امیرالمومنین می‌فرماید: «قلب جوان مثل زمین خالی است. هرچه در آن کاشته شود، همان را می‌پذیرد». باید به خانواده‌ها بگوییم اگر برای تربیت فرزندان‌تان شتاب نکنید، دشمن بچه‌های شما را می‌برد. امیرالمومنین فرمود: «برای تربیت تو عجله کردم و ترسیدم که دو چیز بر من سبقت بگیرد، یکی هوس‌ها و دیگری فتنه‌های دنیا». بعد فرمود «عجله کردم برای ادب تو قبل از این‌که قلبت قسی شود». یعنی هر پدری، هر مربی و هر رسانه‌ای این رقیب‌ها را دارد. یک رقیب از درون انسان است به نام هوس و شهوت و یک رقیب از بیرون که همان گروه‌ها و افکار انحرافی هستند. دوره نوجوانی بسیار حساس است. از آنجا که جوان پختگی ندارد، اگر تربیت نباشد دیگر از تعلیم او نتیجه نمی‌گیرید. مثل مغزی که به دست فلج فرمان دهد، طبیعی است که نتیجه نمی‌گیرد.

دوستان ما در صدا وسیما اهل تأمل هستند، باید در عمق این سخنان دقت کنند. نهج‌البلاغه، یک معجزه قولی است یعنی بشر عادی این چنین نمی‌تواند حرف بزند. امیدوارم رسانه بتواند خواص را متوجه امر خطیر تربیت کند.

مکث

جایگاه جهاد تبیین در صداوسیما

اما در بحث ایجاد شبهه در افکار جوان، جهاد تبیین مصداق پیدا می‌کند، چون شیطان نانش در فریب و آمیخته کردن حق و باطل است. روایتی هست که جوانان را به پرسشگری تشویق می‌کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «مردم وقتی هلاک می‌شوند که سؤال نکنند.» رسانه باید ضمن مدیریت پرسشگری، آن را ترویج دهد و در برابر شبهاتی که دشمن ایجاد می‌کند، به جهاد تبیین متوسل شود؛ البته رسانه باید حزب‌اللهی‌ها را متوجه کند که جهاد تبیین نیاز به گوش شنوا دارد؛ کف وظیفه رسانه، پیام‌رسانی است. بعد از آن باید سعی کند این پیام از مسیری درست در قالب تولید برنامه‌های موفق و پر مخاطب به گوش مخاطبش برسد. البته متاسفانه بسیاری از مردم سرشان در زندگی‌شان است و حوصله ندارند به حرف‌های رسانه گوش دهند؛ عده‌ای هم بوده که بدبین هستند. در قبال اینها، رسانه باید سوءتفاهم‌ها را برطرف کند و برای این امر باید به جهاد تبیین روی آورید؛ لذا باید حزب‌اللهی‌ها مقدمات جهاد تبیینی که هدفش ارتباط‌گیری و صمیمیت با خلق خداست را فراهم کنند تا گوش‌ها شنوا شود.

یکی از راهبردهای اسلام در برخورد با جوانان، بحث تکریم، اعتماد و مسئولیت سپردن است. همچنان که انقلاب را جوان‌ها به پیروزی رساندند، در جنگ هم همین طور بود؛ منتها در مقوله جنگ، چون بحث خون دادن و کشته شدن بود، هیچ‌کس مانع دیگری نمی‌شد، لذا حسن باقری‌ها کشف می‌شدند اما بعد از جنگ چون بحث میز و حقوق است، وسوسه‌های شیطانی مانع بروز استعدادها و پذیرفتن مسئولیت‌ها می‌شود. هرکس در هر سمتی که است هرگاه دیگری را مناسب‌تر از خودش برای آن سمت دید، باید او را به رئیس رسانه پیشنهاد دهد. پست امانت است و خداوند امر فرموده که امانت را به اهلش بدهیم. اهل یعنی آن کسی که شایسته است نه آن کسی که به یک جهات غیرالهی و غیرعقلایی، مورد پسندمان است. وقتی پیامبر، جوانی ۱۸ ساله به نام اسامه بن زید را برای فرماندهی نبرد انتخاب کردند، عده‌ای اعتراض کرده و گفتند این جوان را بر مهاجرین و انصار، ترجیح دادید و حضرت توضیح دادند که این جوان چه شایستگی‌هایی دارد. اولین والی مکه جوانی ۲۱ ساله بود. در روایات آمده اصحاب المهدی، جملگی شُباب هستند.



۱ جوانان در نوک پیکان تهاجم دشمن هستند و حضرت آقا از سال‌های دور این دغدغه را داشته‌اند.

۲ در دعای ۲۵صحیفه سجادیه، یکی از راهکارهای تربیت، دعای پدر و مادر در حق فرزند معرفی می‌شود.

۳ رسانه باید این سخن پیامبر اکرم را که می‌فرمایند:«روزی با زن است» به مردم ثابت کند.

۴ نامه ۳۱نهج البلاغه مورد مباحثه مسئولان رسانه قرار گیرد و از راهبردهای تربیتی آن استفاده شود.

۵ مقدمات جهاد تبیینی را که هدفش ارتباط‌گیری و صمیمیت با خلق خداست، فراهم کنید تا گوش‌ها شنوا شود.

۶ متاسفانه جوانانی را در رسانه برجسته کردیم که صرفا در یک زمینه می‌توانند الگوی نسل‌شان باشند.

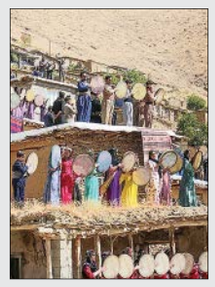
۷ هر کس در هر سمتی هرگاه دیگری را مناسب‌تر از خودش دید، باید او را به رئیس رسانه پیشنهاد کند.

۸ اولین والی مکه جوانی ۲۱ساله بود. در روایات آمده اصحاب المهدی، جملگی شباب هستند.

۹ ما که داعیه‌دار جمهوری اسلامی هستیم باید راهبردهای‌مان را از متن دین اخذ کنیم.

۱۰ دربحث ایجاد شبهه درافکارجوان، جهادتبیین مصداق پیدامی‌کند، چون شیطان نانش درآمیخته کردن حق و باطل است.

دف‌نوازی از آمریکا تا هشمیز



آیین دف‌نوازی یکی از اتفاق‌های جذاب در روزهای ابتدایی ماه ربیع‌الاول است که در آن صدها نفر از دف‌نوازان به دف‌نوازی می‌پردازند. این آیین امسال در روستای هشمیز استان کردستان برگزار شد.

منصور مرادی، سرپرست گروه دف‌نوازان کردستان گفت: با افتخار در همایش دف‌نوازی و ضبط پروژه عظیم «مصطفی گیان» با صدای احسان یاسین حاضر شدیم و مفتخریم که دف‌نوازانی از استان‌های مختلف در این همایش شرکت کرده‌اند. این جشن و این مراسم دف‌نوازی به مناسبت ماه ربیع‌الاول و میلاد پیامبر اکرم(ص) برگزار شده که همزمان با آن، مراحل ضبط کلیپ مصطفی گیان هم در اینجا انجام می‌شود.مرادی گفت: برای مراسم امسال یکی از هنرجویانم که مقیم آمریکاست، به احترام این جمع و برای حضور در این جشن دف‌نوازی به ایران آمده است و عزیزان بسیاری از شهرهای دیگر خود را به هشمیز رسانده‌اند.

در این پروژه قطعه مصطفی گیان به صورت تصویری و با حضور دف‌نوازان و خواننده، روی پشت‌بام‌های روستای هشمیز ضبط شد./تسنیم

چرا در پایتخت کنسرت پاپ نداریم؟!



روال برگزاری کنسرت‌ها با پایان‌ماه محرم و صفر همه‌ساله به این صورت بوده که در هفته پایانی این ایام، بلیت‌فروشی کنسرت‌های مختلف آغاز می‌شده است اما امسال با وجود این‌که بیش از یک هفته از پایان ایام سوگواری می‌گذرد، به‌جز چند کنسرت محدود، شاهد برگزاری اجراهای صحنه‌ای متعددی در کشور نیستیم.

میلاد ماهان‌راد (تهیه‌کننده موسیقی) علت برگزار نشدن کنسرت‌های پاپ در تهران را «همراهی و حمایت نکردن برخی دستگاه‌های دولتی مسئول» می‌داند و می‌گوید: شاید برخی بگویند که مردم علاقه خود را به موسیقی پاپ از دست داده‌اند، ولی حقیقت اینجاست که مردم نه‌فقط علاقه خود به موسیقی پاپ را از دست نداده‌اند، بلکه اگر حمایت‌های مردمی از این طیف موسیقی نبود، به جرأت کور سوی موسیقی پاپ در ایران در این شرایط پیش از این خاموش می‌شد.

متاسفانه مستقل از اثرات حوادثی مانند بحران کرونا یا ناآرامی‌های سال گذشته، ساختار حمایت و هدایت موسیقی پاپ در ایران دارای مشکلات ریشه‌ای است./ایسنا

شهیدی که راه می‌رود



فرزندعلی از جانبازان غیور هشت سال دفاع‌مقدس است که زندگی او می‌تواند سوژه‌ای ناب برای سینما باشد. فرزندعلی که اهل کبودرآهنگ است به‌دلیل برخورد تیر به سرش در جبهه شهید می‌شود اما به‌واسطه یک معجزه به دنیا برمی‌گردد.

راننده‌ای که به دلیل اصابت تیر به سر و آسیبی که به مغز او رسیده بیشتر از سه، چهار ساعت نمی‌تواند بنشیند. همین موضوع او را تبدیل به فردی متفاوت کرده و مردم کبودرآهنگ او را به‌عنوان کسی می‌شناسند که دائم در حال پیاده‌روی است.